

حسن شهباز؛ روایتگر ادبیات جهان

کامیار عابدی

الف. پس از سال‌های آغازین حکومت رضاشاه به سبب بیم ورود جریان‌های بلشویکی به ایران، نه فقط روسی‌تباران، بلکه ایرانی‌تبارانی که سالیانی از زندگی خود را در روسیه گذرانده بودند، در مظان اتهام فعالیت به نفع حکومت اتحاد شوروی قرار داشتند. یکی از این افراد حسین شهباز/شهبازیان مازندرانی بود که سال‌ها در قفقاز جنوبی — به ویژه شهر بادکوبه — زیسته و در بازگشت به ایران به سبب روسی‌دانی در بانک استقراضی روسیه و چند شرکت روسی به کار پرداخته بود. او، که همراه خانواده‌اش در اصفهان می‌زیست، در ۱۳۱۵ در اراک زندانی شد. از این رو، فرزندش حسن شهباز (متولد ۱۲۹۹، بابل) روزگار کودکی و نوجوانی و آغاز جوانی‌اش را به ترتیب در بابل، اصفهان و اراک گذراند. معلومات نخست او از زبان انگلیسی مربوط به کالج انگلیسی‌زبان *Stewart Memorial* در اصفهان بوده است. به نظر می‌رسد علاوه بر معلمان این کالج، سه تن در دوره جوانی در علاقه یا ارتقای ادبی او نقش داشته‌اند. نخست، محمد خزائلی، دانشوری روشن‌دل و بسیار کوشا که درس‌های دبیرستان را به او در اراک آموخت. دوم، محمد قزوینی، دانشور و پژوهشگر درجه اول فرهنگ و تاریخ ایران، و قلمرو ادبیات فارسی و عربی، که از خویشاوندان نزدیک همسر اول حسن شهباز به نام بتول عبدالوهابی بود. سرانجام، لطفعلی صورتگر، استاد زبان و ادبیات انگلیسی دانشگاه تهران، یعنی دانشگاه رشته‌ای که شهباز در آن درس خواند. وی از دهه ۱۳۲۰ تا دهه ۱۳۵۰ علاوه بر کار ترجمه در برخی سفارتخانه‌ها مانند سفارت پاکستان و به ویژه سفارت آمریکا، به صورت مستمر در رادیو ایران نیز به کار مشغول بود. شهباز به ویژه به منصب‌هایی در اداره رادیوتلوویزیون و یکی دو وزارتخانه دیگر هم رسید.

ب. تمایل شهباز به رشته و کار ترجمه از هنگامی که هنوز دیپلم دبیرستان را دریافت نکرده بود، آغاز شد. او می‌کوشید که هم در نشریه‌ها و هم در مؤسسه‌های انتشارات، ترجمه‌های خود را عرضه کند. گاه برگردان برخی کتاب‌ها را به صورت پاورقی در روزنامه‌ها منتشر می‌کرد.

با وجود آنکه شمار آثاری که ترجمه کرده اندک نیست، اما در انتخاب کتاب‌ها از نظر ارزش ادبی تثبیت شده‌تر یکسان عمل نکرده است. با این همه، به نظر می‌آید به سبب گرایش روحی او به آثار رمانتیک، دست‌کم از این نظر وحدتی در نوع ترجمه‌های او در اواخر دهه ۱۳۱۰ تا دهه ۱۳۳۰ دیده می‌شود. به احتمال زیاد، ربه‌کا (دافنه دوموریه، ۱۳۳۳) و بریادرفته (مارگارت میچل، ۱۳۳۶) از شناخته شده‌ترین برگردان‌های شهباز در دوره مورد بحث محسوب می‌شود. البته، این نکته را هم باید مورد توجه قرار داد که فیلم‌های تهیه شده از کتاب‌هایی از این دست به شهرت ترجمه آنها نیز یاری می‌رساند.

پ. برای شناخت شهباز شاید بهتر باشد او را بیشتر مترجم نویسنده دانست تا مترجم صرف. مترجم نویسنده قلم‌زنی است که کمابیش ضمن تسلط نسبی بر یک زبان خارجی، علاقه‌مند است در هنگام ترجمه از توانایی زبانی خود در زبان مقصد نیز بهره‌بردارد. شهباز نه تنها از این توانایی استفاده می‌کرد، بلکه می‌کوشید تا حد امکان از جلوه‌های وصفی در زبان فارسی به‌ویژه در بیان حالت‌های عاطفی و عاشقانه نیز استفاده کند. به بیان دیگر، چنین مترجمی به کلام و عبارت‌ها آب‌وتاب و حالتی دگرگونه می‌دهد. نکته خاصی که سبب می‌شد او در این راه بکوشد، کار نویسندگی‌اش در رادیو ایران بود. همچنان که خود یا ناشرش اشاره کرده‌اند تا ۱۳۵۷ از «پرکارترین نویسندگان رادیو» محسوب می‌شد. یکی از برنامه‌های رادیویی او، که نوعی ترجمه تألیف محسوب می‌شد، با عنوان «با آثار جاویدان ادبیات جهان آشنا شوید» از اواخر دهه ۱۳۳۰ تا دهه ۱۳۵۰ ادامه یافت.

ت. نویسندگی برای این برنامه، سفر به کشورهای مختلف، و استمرار مطالعه به زبان انگلیسی، به‌علاوه داشتن ذوق و مطالعه ادبی سبب شد که شهباز منابع و مآخذ مختلف ادبیات، تاریخ ادبیات و زمینه‌های وابسته را به زبان انگلیسی به تدریج گردآوری کند. سخن از دهه‌های ۱۳۳۰ تا ۱۳۵۰ است. می‌دانیم در این دوره، از اینترنت خبری نبود، کتاب به آسانی در دسترس قرار نداشت، و حتی امکان کپی آثار لازم نیز بسیار محدود بود. گردآوری کتاب‌های مورد اشاره، وی را به طرح شناخت تفصیلی آثار ادبی و فرهنگی جهان به زبان فارسی نزدیک ساخت. او ابتدا طرح خود را در دهه ۱۳۴۰ ذیل آثار جاویدان ادبیات جهان و در دهه بعد با عنوان سیری در بزرگ‌ترین کتاب‌های جهان عرضه کرد. البته، صورت اخیرتر با نگاه به مخاطب خاص‌تر حالت پخته‌تری داشت. شهباز در این سلسله فصل، مقاله یا رساله‌های کوتاه و بلند، که در سال‌های ۱۳۵۳ تا ۱۳۶۰ در چهار جلد گردآوری و منتشر شد، علاوه بر زندگی‌نامه شاعر یا نویسنده و خلاصه اثر، آن کتاب را از دیدگاه عناصر و تاریخ ادبی و زمینه‌های عاطفی و اجتماعی و فکری و با رجوع دائم به آرای صاحب‌نظران شناسانده است.

آثار مورد نظر او فقط غربی نیست. از کتاب‌های شرقی و حتی ایرانی هم به‌خوبی یاد کرده است. با توجه به اینکه منابع و مآخذ کتاب‌هایی که معرفی کرده، به زبان انگلیسی است، بالطبع، او نظر محققان آمریکایی، بریتانیایی و کشورهای انگلیسی‌زبان یا محققانی را که آثارشان به این زبان در دسترس بوده است، ملاک انتخاب و تحلیل خود قرار داده است. با این‌همه، وی به برخی منابع و مآخذ فارسی، که خود ترجمه آثار اروپایی (به‌ویژه از زبان فرانسوی یا گاه زبان‌های آلمانی و روسی و ایتالیایی) بود، نیز توجه کرده است. با آنکه شهباز محقق با اسلوب دانشگاهی نیست و از نظر نحوه بیان مطالب، و وجود حشو و زوائد در هنگام نگارش ممکن است انتقادهایی بر او وارد باشد، قلم روان او توانسته کتابی بسیار خواندنی درباره شماری از کتاب‌های پُر اهمیت جهان در زبان فارسی پدید آورد. به‌ویژه باید توجه کرد که برخی از این کتاب‌ها هنوز در آن دوره به زبان فارسی ترجمه نشده یا آگاهی‌های بسیار اندکی از آنها به این زبان در دسترس بوده است. به نظر می‌رسد تحقیق در طیف متنوعی از آثار ادبی و فکری و فرهنگی جهان سبب دگرگونی در گرایش ادبی او از آثار رمانتیک صرف به قلمرویی وسیع‌تر شد. توجه به آثار تی. اس الیوت یا نویسندگان داستان‌های کوتاه آمریکایی گویای این دگرگونی است.

ث. بدبختانه طرح شهباز پس از انتشار چهارمین جلد متوقف ماند. در جست‌وجوی دلیل، البته، نخست، باید به وضعیت آشفته سال‌های پس از انقلاب و مصادره انتشارات امیرکبیر اشاره کرد. خود مؤلف هم ناگزیر از مهاجرت به ایالات متحده آمریکا شد. اما این، تنها دلیل نیست. دلیل دیگر تغییر روش شهباز از اجمال بالنسبه مناسب‌تر به تفصیل بالنسبه نامناسب‌تر در هنگام شناساندن کتاب‌ها بود: در جلد اول: ۵۰ کتاب در ۴۴۰ صفحه؛ در جلد دوم: ۵۰ کتاب در ۹۶۴ صفحه؛ در جلد سوم: ۱۰ کتاب در ۵۱۲ صفحه؛ و در جلد چهارم: ۱۰ کتاب در ۶۶۰ صفحه شناسانده شده است. طبیعی است این تغییر روش روند نگارش را با کندی مواجه می‌کرد. به‌هرروی، دو نکته یادشده موجب شد او حتی به این فکر بیفتد که برخی شناخت‌نامه‌های خود را به‌صورت تک‌نگاری منتشر کند. این شناخت‌نامه‌های منفرد در حدود نیمه نخست دهه ۱۳۶۰ درباره زندگی و آثار ولتر، گوته، بالزاک و تاگور در انتشارات علمی در دسترس قرار گرفت. اما بعد از این دوره، دوری از وطن، اشتغال به تدریس زبان و ادبیات فارسی، و ایجاد دفتر رسمی در شهر لس‌آنجلس برای مراسم ازدواج، که هم به زبان فارسی بود و هم آغشته به بیان شاعرانه برای زوج‌های ایرانی دور از وطن، و او را از پیگیری طرح شناخت آثار ادبی جهان، به کلی دور کرد. با این‌همه، نتیجه دیگر تکاپوی فرهنگی شهباز از سال ۱۳۶۱ تا هنگام درگذشت (۱۷ اردیبهشت ۱۳۸۵)، انتشار فصل‌نامه ره‌آورد در آن دیار

با یاری دخترش، گیتی شهباز بود. در این مجله، انتشار آثار و آرای ادبی و فرهنگی و اجتماعی و خاطره‌های ایرانیان مقیم آمریکا و دیگر کشورهای جهان و گاه حتی مقیم ایران با دیدگاه‌های بسیار متفاوت و متضاد به نحوی مطلوب و خواندنی پیگیری می‌شد. درخور اشاره است که انتشار *ره‌آورد* پس از درگذشت شهباز به کوشش شعله شمس، دومین همسر شهباز، و با یاری شماری از دوستان هم‌نسل یا جوان‌تر این مترجم و نویسنده و روزنامه‌نگار تداوم یافته است. ج. شهباز در هنگام انتشار مجله *ره‌آورد* به نگارش مقاله‌های ادبی و فرهنگی نیز توجه نشان می‌داد. از برخی خاطره‌های خود نیز یاد می‌کرد. بخشی از خاطره‌های عاطفی‌تر وی در *حسب حال‌نامه غرور و مصیبت* (۱۳۷۶) و بخشی از یادها و گفتارهای او و دیگر ایرانیان در این دوره با عنوان *سخن‌های پراکنده* (۱۳۸۵) و بخشی از سروده‌هایش به نام *با گام‌های خسته در دشت‌های دور* (۱۳۸۷) در ایالات متحده منتشر شده است. نثر و شعر او با وجود تغییر در حوزه مطالعات، همچنان از گرایشی رمانتیک در قلم او خبر می‌دهد. این شاعر و نویسنده، همچنان که از آثارش برمی‌آید و دوستانش نیز اشاره کرده‌اند، دلبسته شعر فارسی بود و حافظه اش گنجینه‌ای از آثار شاعران متقدم و متأخر فارسی‌گوی. البته، تحقیق و تحلیل جزئیات همه آثار قلمی او، علاوه بر ترجمه‌ها و انتشار مجله‌ای فرهنگی، مستلزم وقت و دقت زیاد است. به‌طور خلاصه، او در دوره نخست زندگی، علاوه بر برگردان شماری از آثار ادبی، در به‌دست دادن روایت‌هایی خواندنی از آثار ادبی جهان به‌صورت شفاهی (رادیویی) و مکتوب (از نیمه دوم دهه ۱۳۳۰ تا نیمه دوم دهه ۱۳۶۰) بر اساس منابع معتبر جهانی کوششی بسیار چشمگیر و درخور احترام داشته است. در مقابل، شهباز در دوره دوم زندگی به کسوت یک روزنامه‌نگار فرهنگی درآمد. او در این کار نیز با انتشار مجله *ره‌آورد* کامیاب بود. البته، خواندگانی که علاقه‌مندند درباره سیر زندگی و آثار شهباز بیشتر بدانند، ناگزیر از مراجعه به دوره این مجله هستند. همچنین یکی از همکاران او در این مجله، غفور میرزایی، دو مقاله دانشنامه‌ای درباره او تألیف کرده که در ذیل عنوان *Rahavard* و *Shahbaz, Hasan* در دانشنامه *Iranica* به زبان انگلیسی منتشر شده است.